

# خواجه نصیرالدین طوسی

بفتم مرتضی مدرس چهاردهمی

(۳)

دیگر از کارهای برجسته محقق طوسی احترام و نوازش دانشمندان بود این گونه کارهای خواجه تا اندازه از افراط کارهای جمله مغول کاسته و مردمی که از همه چیز دست شسته و در حال رکود و خموشی بودند قدر دان فضلا و دانشوران میشدند.

چنانکه تاریخ نشان میدهد بسیاری از فضایی بزرگ در دوره تاتار بروز کرده اند که درخشان ترین دوره علمی ایران را تشکیل داده اند و برآستی اگر سرپرستی و نوازشهای استاد طوسی نسبت به فضلا نبود این دانشوران هم مانند دیگران در آتش بیداد مغول سوخته و آثار علمی و ادبی آنان پایمال جور و ستم یک دسته مردم غارتگر شده و تاریخ آن عصر را تاریکتر نشان میداد ! ؟ خواست خدا بود که دست توانای محقق طوسی دانشوران را گرد آورده و با اقدامات اساسی خود توانست تسلی خاطر دانشمندان را فراهم ساخته تا با فراغت بال مشغول تألیف و تصنیف و اشتغالات علمی باشند.

دراثر نوازشهای استاد طوسی فضلا توانستند که هر کدام شعله فروزانی شده و در محیط تاریکی که بر اثر فساد اخلاق و گشتارها و خونریزیها پراکنده و آشفته شده بود به تشریف فضایل کوشیده و تا اندازه از بیدادگری و فساد اخلاق جلو گیری نمایند.

شما وقتی که تاریخ مغول را با دوره های دیگر تاریخ بسنجید خواهید دید بسیاری از دانشوران بزرگ در دوره مغول بروز نموده اند که هر یک از بزرگان شرق بشمار رفته و کمتر مانند آنان در ادوار دیگر ظهور کرده و با وجودی که در دوره های دیگر تشویق و ترغیب شهریاران زیادتر بوده و

همه گونه وسایل استراحت و نوازش دانایان را فراهم میساخته اند تأثیر نوازشهای محقق طوسی را با دوره های دیگر خوب میتوان مقایسه کرد که تا چه اندازه ذخایر علمی و ادبی از خود بجا گذاشته است .

رفتن محقق طوسی در نزد مؤلف شرایع الاسلام خیلی تأثیر در محافل علمی و اسلامی نمود و یک درس عبرتی بود که تا کنون داستان آن بر سر زبانهاست داستان رفتن خواجه را در نزد مؤلف شرایع تاریخ این گونه بیان میکند .

خواجه بعد از زیارت عتبات جهت زیارت نجم الدین ابوالقاسم حلّی که در آن زمان اکمل مجتهدین شیعه امامیه بود بجانب حله که محل فقهای مذهب امامیه بود و از ترك تاز عسکرتتار محفوظ مانده بود توجه نمود چون خبر توجه خواجه بجانب شیخ و سایر علماء آن دیار رسید عزم آن نمود که با سایر مؤمنان او را استقبال نماید اتفاقاً این معنی را به حضرت خواجه رسانیده و او را از اراده حضرت شیخ واقف ساختند . از روی تعظیم و اکرام شیخ عالی مقام کسی را به تعجیل فرستاده پیغام داد که من خود را لایق آن نمیدانم که حضرت شیخ استقبال من نماید التماس دارم که حضرت شیخ بکار خود مشغول باشند که من ایشانرا در مجلس رفیع ایشان زیارت خواهم نمود آنگاه شیخ فسخ عزیمت استقبال نموده مترصد قدوم خواجه میبودند تا به یکبار خواجه در منزل شیخ نزول نمود و در انبای درس کتاب شرایع الاسلام که از مصنفات شیخ است با او ملاقات نمودند و چون طرفین از اظهار شوق فارغ شدند خواجه از شیخ التماس نمود که به افاده آنچه در میان داشتند مشغول شوند لاجرم حسب الاشاره بافاده مشغول شدند اتفاقاً مبحث قبله در میان بود و قاری درس این عبارت را که در میان قبله اهل عراق واقع است میخواند که « و يستحب لهم التیاسر » خواجه در بدیهه گفت که مراد تیا سر از قبله است یا بسوی قبله اول حرام و ثانی واجب پس استحباب تیا سر چه معنی دارد ؟

حضرت شبح جوانی مذکور داشتند که مستحسن طبع خواجه افتاد و بعد از مراجعت خواجه بجانب بغداد رساله در آن باب مشتمل بر اجوه متعدده ترتیب داده بخدمت خواجه فرستاد آن رساله در میان فضلاء این طایفه مشهور است :

یکی دیگر از اقدامات برجسته خواجه نصیرالدین طوسی که تاریخ هیچوقت آنرا فراموش نخواهد کرد تأسیس رصد مراغه میباشد که از یادگارهای علمی و فلکی میباشد که بدست خواجه و بهمراهی دانشوران بنا شده این رصد از مشهورترین رصد خانه هائی است که در تاریخ اسلامی و شرق ذکر شده آوازه آن تمام جهان آن روز را فرا گرفته و تاکنون با اینهمه تطورات و تغییراتی که در جهان پدید آمده باز هم نام آن رصد و اسم خواجه بر زبانها است .

تأسیس رصد خانه مراغه از افراط و تفریط منجمین آن دوره جلوگیری کرده و از اوهام و خرافاتی که بنام فلکی انتشار پیدا کرده بود و مغولان آنرا دامن میزدند جلوگیری کرد .

رصد مراغه دسته بسیاری از دانشمندان را که هر کدام در تاریخ علمی مقامی ارجمند دارند از خانه خرابی و بیابان گردی که از حمله مغول تولید شده بود رهائی داد و در تحت سرپرستی محقق طوسی به آسودگی خاطر مشغول اکتشافات فلکی شدند و از این راه خدمات شایسته به جهان علم نمودند .

فاندیک دانشمند مشهور امریکائی در یکی از تعلیقات نفیس خود بنام قبة الزرقا چاپ بیروت مینویسد که دانشمندان فلکی اروپا چون دیدند که کوه ماه دارای کوه های زیادی است و اشتباه بیکدیگر میشود هر يك از کوه هارا بنام یکی از دانشمندانی که خدمت شایسته علم کرده اند نام گذاردند یکی از کوهها بنام خواجه نصیرالدین طوسی است از این قسمت معلوم میشود که

سایر فضلاء و دانشوران ایرانی باندازه خواجه خدمت نفلک نکرده اند که این اندازه مورد تکریم و احترام دانشوران فلکی اروپا شوند و تنها از ایران نام استاد طوسی یکی از کوره های ماه گذاشته شده است .

بقول علامه شوشتری مؤلف کتاب بسیار نفیس مجالس المؤمنین در سبب بستن رصد مراغه مورخین اختلاف کرده و سنه گفته اند که « منکوقا آن » چون هوش و ذکاوتش از سایر شهریاران مغول بیشتر بوده و گاهی اشکال هندسی اقلیدسی را حل میکرد باین هوس افتاد که در هنگام اقتدار خود رصدی بنا کند و بموجب فرمان جمال الدین محمد بن طاهر بن محمد راوندی را بدان کار کماشت و به عالمی این کار بتأخیر افتاد تا آنکه آوازه کمالات و دانش خواجه طوسی بکوشش رسید .

پس در وقت حرکت هلاکو بایران برادرش هلاکو گفت که چون قلعه الموت را تصرف کردی خواجه را روانه این سامان گردان .

پس از فتح الموت خواجه بخدمت ایلیخان رسید و هلاکو دوری استاد طوسی را از نزد خود ناگوار دیده امر کرد جای مناسبی را برای رصد اختیار کند و خواجه مراغه را برای تأسیس رصد خانه برگزید و برخی مینویسند پس از حمله های بی در پی مغول که بغداد و شام را تصرف نمودند و تا اندازه هلاکو از جهانگیری آسوده خاطر گردید خواجه معروض داشت که اگر رصدی بنا شود که اوضاع فلکی کاملاً آشکار شود خیلی مفید و مورد احتیاج خواهد بود .

ایلیخان این رأی را پسندیده و امر کرد که رصد خانه بنا کنند و تهیه اسباب و لوازم را برای خواجه فراهم سازند و خواجه زیج ایلیخانی را از روی رصد مراغه تألیف نمود .

پیش از تأسیس رصد مراغه چند رصد مهمی بنا شده بود که تاریخ آنها را فراموش نکرده است اولین رصد دنیا رصد ابرحس حکیم است که

۲۰۰ سال قبل از میلاد بود و بعد از آن رصد بطلمیوس در قرن دوم بعد از میلاد و اولین رصد اسلامی رصد اُمون خلیفه عباسی است که در ۲۱۴ در بغداد بنا شد و پس از آن رصد بنانی در شام و رصد حا کمی در مصر و رصد بنی اعلم در بغداد و رصد ابو حنیفه دینوری مؤلف دو کتاب بسیار نفیس در نباتات در ۱۳۵ بر امر رکن الدوله دیلمی در اسفهان بنا شد.

بنا بنوشته مؤلف مطارح الاظار چاپ تبریز مورخین فرانک مینویسند که در سال ۱۰۶۳ هجری در لندن جدول طول و عرض را از روی زیج ایبانی خواجه ترجمه و نشر نمودند.

اگرچه پیش از محقق طوسی و بعد از وی رصد خانه های زیاد تأسیس شد ولی هیچکدام مزیتی بر رصد خواجه نداشتند و رصد خانه هایی که در شهر پاریس و سایر شهرهای اروپا بنا شده مزایایی که دارا هستند همان تکمیل اسباب و دقت آلات آنهاست و گر نه میتوان گفت که رصد خواجه اولین رصد عالم است. بامر هلاکو تمام اوقاف اسلامی سرتاسر کشورهای متصرفی مغول را ضبط و در تحت اداره و سرپرستی محقق طوسی قرار داده و عشر آن صرف مصارف رصدخانه شده و بقیه بمصالح خیریه میرسد میزان اوقاف کشور مغول را نوشته اند که تا چه اندازه بود و همه بتقدیر معلوم است که تمام اوقافی که از قدیم الایام دست دولت و ملت بوده و دارای مصارفی بودند در دوره مغول هم بهمان منوال در دست خواجه قرار گرفت و تاریخ نشان نمیدهد که هلاکو خودش مقداری از املاک را وقف کرده باشد و یا آنکه اثرات نیکی از خود بیادگار گذاشته باشد بلکه همان خیرات گذشته بود که در دست خواجه قرار گرفت و خواجه این همه ثروت و اموال را صرف مصالح عمومی نموده و فضلا و دانشمندان بسیار را از این راه بکاردانش گماشت:

حمله سوزان تاتار خشک و تر را سوزانید و البته در آن زمان گذران زندگانی خیلی دشوار بود و تنها همراهیهای مادی و معنوی خواجه از بودجه اوقاف

بفضلا و دانشوران دلگرمی و نوازش بخشید و تا اندازه از بیدادگری مغول محفوظ ماندند .

در اثر اداره و سرپرستی اوقاف خواجه توانست محافل علمی و فقهی را اداره کرده و خود مجلس درس با شکوهی را تشکیل دهد و از این راه خدمت شایسته را بجهان علم نماید .

خواجه یکدسته از دانشمندان راهم از مرگ و کشتن رهائی داد چنانکه در تاریخ مختصر الدول ابن عبری مسطور است .

وقتیکه لشکر تاتار دم تیغ برهیچکس دریغ نمیداشتند تنها محی الدین مغربی فریاد زد که من منجم هستم و مرا نزد شهریار مغول ببرید پس او را نزد هلاکو برده و تسلیم خواجه نمودند !!

خواجه در زیج ایلیخانی که بزبان فارسی تألیف کرده در مقاله اول چنین مینویسد ( هلاکو همدان را قهر کرد و بغداد را بگرفت و خلیفه را برداشت تا حدود مصر بگرفت و کسانیکه یاغی بودند نیست کرد و هنرمندان را بنواخت و بفرمود تا هنرهای خود را را گشاده و رسمهای نیکو نهادند و ابن بنده نصیر که از طوسم و ولایت همدان افتاده بودم از آنجا بیرون آورده و رصد ستارگان فریود و حکما را که فن رصد میدانستند چون مؤیدالدین عرضی که بدمشق بود و فیخرالدین مراغی که بموصل بود و فیخرالدین اخلاطی که به تفلیس بود و نجم الدین دبیران که بقزوین بود از آنولایتها طلبید و زمین مراغه را رصد اختیار کردند و بفرمود تا کتابها از بغداد و شام و موصل و خراسان بیاوردند .

تقدیر چنان کرد که ( منکوی ) از میان برخواست و بعد از آن رصد ستارگان تمام شد ) و همین زیج را خواجه محمد نیشابوری قلمی شرحی نوشته و آنرا کشف الحقایق نام نهاد .

غیاث الدین جمشید مسعود کاشانی تکمات بنام زیج خاقانی در تکمله زیج ایلیخانی تألیف نموده و یک نسخه از کتاب زیج ایلیخانی فعلا در کتابخانه

روس است. از کتاب زیج ایلخان چنین مستفاد میشود که در سال ۶۷۰ شروع بساختن رصد مراغه شده صاحب فوات‌الوفیات مینویسد بیشتر از چهارصد هزار نسخه کتاب در کتابخانه مراغه مخزون شد.

یکی دیگر از کسانی که در امر رصد مراغه شرکت داشت قطب‌الدین شیرازی است که از دانشمندان بود و خواجه نام او را در خطبه زیج ایلخانی ذکر نکرده و اصلاح بعضی از خلل‌ها که در زیج مانده بود خواجه بدیگران حواله نمود.

میگویند این معنی باعث کدورت قطب‌الدین شده و از اصلاح آن چشم پوشید، قطب‌الدین شیرازی داستان دیگری با خواجه دارد که کدورت او از آنجا بخوبی آشکار میگردد.

مؤلف مطارح لا نظار مینویسد آنچه از احوال سلاطین معقول مفهوم میشود بیشتر باسباب جزئی امر بکشتن میدادند و حتی بزرگان دربار تاتار از این وحشی‌گری ایمن نبودند چنانچه خواجه نصیرالدین طوسی با آنهمه مقام و منزلتی که در دربار هلاکو داشت روزی در محفل هلاکوسخنی که مخالف رأی ایلخان بود گفت آن شهریار سفاک رو باستاد طوسی کرده و گفت اگر نه این بود که به سبب کشتن تو امر رصد ناتمام میماند در این مجلس بکشتن تو اشارت میکردم.

قطب‌الدین شیرازی با آنکه سمت شاگردی خواجه داشت بجهت تعقیبهای مذهبی فرصت را غنیمت شمرده بیش هلاکوسر فرود آورده گفت این بنده امر رصد را بانجام میرم و اتمام این امر بزرگ را بر ذمت میگیرم ایلخان از این کلام قطب‌الدین روی گردانید بعد از چند روزی خواجه را باقطب‌الدین ملاقات افتاد از سبب این حرف پرسش کرد و شکوه آغاز نمود قطب‌الدین عذری تراشید و این قطب‌الدین دائی شیخ سعدی شاعر بزرگ مشهور است.

باری تدابیر بزرگ خواجه تمام این دشمنان را در هم شکسته و با نیروی اراده و فکر توانا بمقصود بزرگ خود موفق شد.